

نقش حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات

زینب ایرانمنش¹

رقیه نظری

اکرم قربانی قمی

چکیده:

هرکس افراد تحت اختیارش را برای محیطی که در نظر دارد، تربیت می کند. پدر، فرزند را برای خانه، استاد، شاگرد را برای جامعه و یک دانشمند، انسان را برای زندگی در این کره خاکی تربیت می کند و برطبق شرایط موجود، بارور و شکوفایش می سازد. پدر، که مجری و واسطه امر الهی در خانواده است، باید کودک را به گونه ای تربیت کند که برای بی نهایت راه، آماده شود؛ و این نیازمند داشتن اصولی پایدار و محکم در امر تربیت است. حیا، یکی از آن اصول زیربنایی برای رشد و شکوفا ساختن انسان و بارور کردن او در این مسیر بی نهایت و خطیر است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، و با مراجعه به منابع کتابخانه ای و با هدف تبیین نقش حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات انجام گرفته و در پایان بدین نتیجه رسیده است: تکامل ایمان، کرامت نفس، پاکی از گناه و فساد و سلامت خانواده و اجتماع.

کلید واژه: حیا، تربیت، حقوق فرزند، تکامل ایمان، کرامت نفس

مقدمه:

تربیت در یک بُعد نازله نسبت به بُعد معرفتی، در بُعد اخلاقی به این شکل تعریف می شود که: «روشهای رفتاری و گفتاری دادن به دیگران، به طوری که این روش به صورت ملکه در آنها درآید.»

اگر انسان همواره بر اساس آن روش رفتاری و گفتاری که مربی به او آموزش داده است عمل کند، این آموزش ها به مرور، ملکه ی درونی او شده و در این حالت می توان گفت که مربی او را تربیت کرده است.

در ضمن، هم «تربیت حسن» داریم هم «تربیت قبیح». اگر تربیت به معنای داشتن «ملکات حسنه» بوده و آن ملکات درونی جنبه های شرعی نیز داشته باشد، او «مؤدب به آداب شرعی» شده است و کارهایی که از

طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها، قم.¹
طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها، قم
استاد راهنما، دانش آموخته سطح چهارحوزه علمیه، قم

او سر می زند، هم عقل می پسندد و هم شرع؛ مثلاً انسان با تقوایی می شود. این، ثمره ی تربیت است و اگر به اینجا رسید، می گوییم: انسان مؤدبی شده است.

تعریف اهل معرفت از تربیت، یک تعریف مخصوص و متفاوت است. آن ها مسئله تربیت و ادب را در سه رابطه؛ یعنی «قلب»، «عقل» و «نفس» مطرح می کنند؛ به عبارت دیگر آنها معتقدند که انسان وظیفه دارد که عقل، قلب و نفس خود را تربیت نماید. (تهرانی، 1391، ص 66)

والدین در امر تربیت فرزند، باید به شیوه ی تربیتی خداوند متعال نسبت به انسان ها اقتدا کنند؛ به عبارت دیگر، چون تربیت فرزند، یک روش مخصوصی دارد قاعده‌تاً بهترین روش، روش تربیت الهی است که البته یک روش عقلانی تنظیم شده بر اساس فطرت الهی انسان است.

در شیوه ی تربیتی خداوند، به رعایت حقوق انسان ها تأکید زیادی شده است و والدین برای اینکه بتوانند، در امر تربیت فرزند خود بیشترین بهره را ببرند، باید به روایات معصومین علیهم السلام نیز توجه کنند؛ یکی از مؤلفه هایی که در روایات بدان تأکید شده، رعایت حیا و شئون مختلف آن است؛ که بهتر است در دستور کار تربیت فرزندان قرار گیرد.

کامران جبّاری، قاسم محمدیاری و زهرا اطمینان زره ناس در مقاله ی حیا از منظر قرآن و روایات و جایگاه آن در تعلیم و تربیت، مبانی قرآنی و روایی حیا را بررسی کرده اند و بدین نتیجه رسیده اند: که حیا از ارکان بنیادین خود کنترلی است و اهداف، اصول و روش های تربیتی مختلفی دارد. (جبّاری، محمدیاری، اطمینان زره ناس، 1401)

عبدالله قاعدی موصولو، کریم حسن شاهی و سید میلاد سعادت در مقاله ی نقش خانواده در تربیت فرزند بدین نتیجه رسیده اند: که نقش خانواده به ویژه پدر و مادر در تربیت فرزندان از همان بدو تولد تا سال های ابتدایی زندگی به منظور پذیرش راحت تر مفاهیم دینی در مراحل بالاتر رشد فرد اهمیت فراوانی دارد. (قاعدی موصولو، حسن شاهی، سعادت، 1394)

مهشید ایزدی و مهراب ناردی در مقاله ی نقش حیا در تربیت اسلامی بدین نتیجه رسیده اند: که حیا در حفظ حریم ها بسیار سازنده است و محقق در این پژوهش به بیان: مراتب حیا، عوامل مؤثر بر ایجاد حیا و آثارش در تربیت اسلامی پرداخته است. (ایزدی، ناردی، 1393)

پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای انجام گرفته است و درصدد پاسخ به این پرسش است که با توجه به حقوق فرزند در روایات، حیا چه نقشی در تربیت فرزند دارد و برای پاسخ به پرسش یاد شده این موارد را بررسی می کند که اگر در حقوق فرزند مؤلفه ی حیا رعایت شود آثارش در تربیت فرزند این است که: باعث تکامل ایمان، کرامت نفس، پاکی از گناه و فساد و سلامت خانواده و اجتماع می شود.

مفهوم شناسی:

1. حیا: حیا در لغت از ریشه «ح ی و» یا «ح ی ی» (فراهیدی، 1409 قمری، ج3، ص317)، به معنای شرم داشتن (دهخدا، ذیل حیا) که در مقابل آن وقاحت و بی‌شرمی قرار دارد. (ابن منظور، ج14، ص219)

حیا در اصطلاح علم اخلاق، به نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی گفته می‌شود، که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنت انسان شده و همچنین موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است. (طوسی، اخلاق ناصری، ص77)

2. تربیت: تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. (فیومی، ص217) در لسان العرب، می‌نویسد: «ربا الشیء یربو ربواً و رباءً: ای زاد و نما». (ابن منظور، ج14، ص304) همچنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. «ربّ ولده و الصبی یربّه ربّاً»، (ابن منظور، ج1، ص399) یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود. با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، می‌توان تربیت را این‌گونه تعریف کرد: تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. (طبرسی، ج6، ص241)

3. حقوق فرزند: حقوق جمع «حق» است، (مهیار، ص337) که در لغت به معنای واجب (العین، ج3، ص6)، ثبوت مطابق با واقع (مصطفوی، ج2، ص262) و مطابقت و وقوع شیء در محل خودش آمده که این معنا در تمام مصادیق قابل تطبیق می‌باشد. (قرشی، ج2، ص158)

البته در منطق قرآن هر چیزی «حق» نیست، هر چند مردم آن را حق بپندارند؛ بلکه حق عبارت است از چیزی که خدا آن را محقق و دارای ثبوت کرده (در عالم ایجاد یا در عالم تشریع)؛ بنابراین «حق» در عالم تشریع و در ظرف اجتماع دینی عبارت است از: چیزی که خداوند آن را به عنوان «حق» قرار داده؛ مانند: حقوق مالی، حقوق برادران و حقوقی که پدر و مادر بر فرزند دارد. (طباطبایی، ج1، ص225)

نقش حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند:

1. تکامل ایمان:

اولین نقشی که حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات دارد، تکامل ایمان است.

برای رسیدن به این مطلب که ایمان چه نقشی بر حیا دارد و حیا چه نقشی بر تکامل ایمان دارد، ابتدا باید معلوم شود ایمان چیست و سپس حیا چیست، تا ببینیم نقش این دو بر یکدیگر چگونه است.

«ایمان»، یعنی اعتقاد به خداوند به این نحو، که او موجودی است ایجاد کننده ی جمیع ماسوای خودش و در همه جا و در همه حال حاضر و ناظر است. ایمان، اعتقاد این چنینی به مبدأ است نه اعتقاد به موجودی در بین موجودات به نام خدا، که آفریننده ماسوایش است. ایمان به خدا به این نحو است که، خدا موجودی

هستی بخش است که در همه جا و همه حال وجود دارد؛ حاضر و ناظر است؛ سمیع و بصیر است؛ با جمیع صفات کمالی که در او هست.

بعد اعتقاد به نبوت و آنچه نبی گرامی از ناحیه خدا آورده است و اوامر و نواهی او از اعمال، و اینکه آنچه را پیغمبر اکرم می فرماید یا نهی می کند از ناحیه خدا است. محور اوامر و نواهی این است، که خدا به هر عمل نیک زیبا و حسنی امر کرده است و نسبت به هر عمل زشت و قبیحی نهی فرموده که آن را انجام نده؛ بنابراین محرمات و معاصی اعمالی زشت و قبیح هستند. (تهرانی، ۱۳۹۴، جلد ۴، صفحه ۱۷۶)

بعد اعتقاد به اینکه هرکس مرتکب عمل زشتی شود، مورد نکوهش خدا قرار می گیرد، و در قیامت عقاب و عذاب خواهد داشت.

نام این مجموعه ی اعتقادی را «ایمان» می گذاریم. این مجموعه اعتقادی امری اکتسابی است؛ یعنی هر انسانی در حد خودش این مجموعه را با مبادی عقلی به دست می آورد؛ این، معنای ایمان است.

حالا حیا چیست؟ حیا حالتی نفسانی از مقوله ی انفعال (غیر اکتسابی بودن حیا) است؛ غریزی است؛ مختص انسان است؛ امری اکتسابی نیست. حیا به این معنا است که انسان وقتی می خواهد عمل زشتی را مرتکب شود یا قبل از عمل و یا بعد از آنکه عمل زشتی را مرتکب شد، قبح عمل را درک کرده و می داند. اگر قبل از عمل متوجه بشود و این حالت نفسانی بیاید به این جهت است که بیم آن را دارد، در ارتباط با شخص دوم که ناظر است و مطلع می شود مورد نکوهش و ذم قرار گیرد؛ این ترس از نکوهش شدن بازدارنده انسان از عمل زشت است. اگر این حالت نفسانی، بعد از عمل حاصل شود مانع می شود که آن عمل قبیح دوباره تکرار شود. (تهرانی، ۱۳۹۴، جلد ۴، صفحه ۱۷۷)

بحث بعدی این است که حیا بر ایمان چه نقشی دارد؟ نقش حیا بر ایمان نقشی اساسی است. تمام خصلت های زیبایی درونی انسان، یعنی آنهایی که به دست آورده است و تمام خصلت های نیک که در انسان حاصل می شود، آسیب پذیر هستند؛ این یک قانون است.

«ایمان» یکی از خصائل زیبایی است که در انسان است؛ به خصوص خود ایمان در انسان آسیب پذیر است.

چه چیزی به آن آسیب می رساند؟ آنچه نقش اساسی در آفت زدن به ایمان دارد، تا آنجایی که ایمان را از بین می برد، «عمل معصیت» است. اعمال نیک برای انسان خصلت نیک می سازند و اگر اعمال، زشت باشند، خصلت های نیک را از بین می برند. (تهرانی، ۱۳۹۴، جلد ۴، صفحه ۱۸۴) ایمان در انسان ضربه پذیر و آفت پذیر است و حیا، حافظ ایمان است و بزرگترین و بالاترین آفت برای ایمان، عمل قبیح معصیت است. از طرفی آنچه از عمل زشت و معصیت جلوگیری می کند، حیای «من الله تعالی» است. حیا است که مانع از ارتکاب عمل قبیح می شود. امام علی می فرماید: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِّ»؛ حیا است که از فعل زشت جلوگیری می کند (غررالحکم، ص 74)؛ بنابراین به یک معنا یگانه حافظ ایمان که خیلی مؤثر است حیا است که جلوی آفت های عملی که می خواهد متوجه ایمان بشود را می گیرد؛ بنابراین برای ایمان نقش حفاظتی دارد؛ پیغمبر اکرم ﷺ می فرماید: «الْإِيمَانُ عُرْيَانٌ وَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ»؛ ایمان لخت است؛ پوشش و لباسش حیا است (مستدرک الوسائل، ج 8، ص 465). لباس چه نقشی نسبت به تن دارد؟ جسم ما را چه می کند؟ غیر از این است که نقش حفاظتی دارد؟ ما را از گرما و سرما حفظ می کند تا

گزندی به ما نرسد. (تهرانی، ۱۳۹۴، جلد ۴، صفحه ۱۸۵) اگر حیا نباشد ایمان از بین می رود. اگر ایمان را لخت بگذاری و حفاظت نباشد از بین می رود. وقتی حیا نیست، مرتب عمل زشت انجام می دهد و بعد ریشه ایمان از دلش کنده می شود. امام صادق می فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»؛ کسی که حیا ندارد ایمان ندارد (بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۱). (تهرانی، ۱۳۹۴، جلد ۴، صفحه ۱۸۶)

حال اگر حیا که تلازم شدیدی با تکامل ایمان دارد در عمل به حقوق فرزندان رعایت شود نقش به سزایی در تربیت صحیح فرزندان دارد. یکی از نکاتی را که حضرت سجاد در این قسمت از حقوق درباره فرزندان تذکر و یادآوری می فرماید عبارت است از: «وَالدَّلَالَةُ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُعُونَةُ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ (و راهنمای او به سوی پروردگارش و کمک کار او در عبادت خدایی باشد.) (مشایخی، ۱۳۸۳، صفحه ۳۵۹) والدین وظیفه دارند که زمینه شناخت و عبادت خدای متعال را در فرزندان مهیا کنند. کمک کردن به فرزند در شناخت خدا و یاری او در امر عبادت خدا، گاه به این است که شناخت کافی و لازم را در مورد امور عبادی به او بدهید. بیان کنید که نماز، روزه و ... چه فواید دنیوی و اخروی برای او دارد و در مرحله بعد یاری رساندن در اجرای اعمال عبادی است؛ با او به مسجد بروند، او را با نماز جمعه مأنوس کنند، در امر روزه گرفتن او را با تغذیه درست و استراحت مناسب یاری دهند و ... (افشاری، ۱۴۰۱) برخی دستورهای عملی نیز برای تربیت فرزندان داده شده که ناظر بر آموزش امور دینی است از جمله: یاری کردن به فرزندان در کارهای نیک (کلینی، ج ۶، ص ۵۰)، راهنمایی او به شناخت خدا و کمک به او در اطاعت از پروردگار (کلینی، ج ۶، ص ۴۷)، واداشتن و تشویق ایشان به نماز از هفت سالگی (کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۴۹)، آموزش قرآن و معارف دین برای مصون ماندن آنان از انحرافات اعتقادی (کلینی، ج ۶، ص ۴۷)؛ اگر مربی فرزند مؤلفه ی حیا را به کودک آموزش دهد، باعث تکامل ایمان فرزند و مددکار او در اجرای حقوق الهی خواهد شد.

بنابراین تکامل ایمان یکی از نقش هایی است که حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند در روایات می تواند داشته باشد.

2. کرامت نفس:

دومین نقشی که حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات دارد، کرامت نفس است.

شرم و حیا، در نهاد آدمی و دیعه ی الهی و امری فطری است. به نظر می رسد این خصلت، از حب ذات ناشی می شود؛ زیرا هر انسانی فطرتاً خود را دوست دارد و به این دلیل از انجام هر رفتاری که جایگاه و احترام خودش را نزد دیگران افزایش می دهد دریغ نمی کند. از این رو از انجام کاری که عیب او را آشکار سازد و موجبات تحقیر یا مذمت و سرزنش او را نزد دیگران فراهم آورد پرهیز می کند. بنابراین همواره تلاش می کند تا خود را به بهترین وجه آراسته و جلوه گر سازد و عیوب ظاهر و باطن خویش را مخفی نگاه دارد. این تلاش موجب می شود تا او از انجام کار زشت در مقابل دیدگان بیننده ی محترم پرهیز و شرم کند. (سبحانی نیا، ۱۳۹۶) در قرآن آمده است که: وقتی حضرت آدم و حوا از درخت ممنوعه تناول کردند، عورتشان ظاهر گشت. آنان بلافاصله درصدد پوشاندن آن برآمدند. لذا از برگ درختان بهشتی برای ستر عورت خود، استفاده کردند (اعراف، آیه ۲۲).

4. سلامت خانواده و اجتماع:

چهارمین نقشی که حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات دارد، سلامت خانواده و اجتماع است و باعث تأمین امنیت و تحکیم آن می شود.

حیا و حفظ حدود توسط زنان، تضمین کننده سلامت جامعه و روابطی سالم است؛ زیرا بیماری های روانی که در اثر تحریک مداوم در جوانان توسط زنان به وجود می آید، سطح اخلاق و معنویت جامعه را پایین می آورد و بهداشت روانی جامعه را به خطر می اندازد، از این رو برای ایجاد آرامش روانی در جامعه، باید از قوانین وضع شده توسط خداوند پیروی کرد تا ارتباطات میان زنان و مردان به شکل سالم انجام گیرد. (پور اصغر، ۱۴۰۰) خداوند در نظام تکوین دو سرمایه حیا و عفاف را برای زن و غیرت را برای مرد قرار داده است تا نگهبانان روح و روان آنها و ضامن سلامت روانی شان باشد. از این رو در مواردی که می تواند به جسم و روح فرد آسیب برساند راه هایی را برای پیشگیری از آسیب های جسمی و روحی قرار داده است، که یکی از آنها حفظ حیای زنانه است. (شریفی، ۱۳۸۷، صفحه ۱۸۷) روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده نیز، حاکی از این است که وجود حیا در زنان از صفات ارزشمندی است که نسبت به آن تأکید فراوان شده است. خصوصاً اینکه عفاف و حجاب زنان، یکی از اصول غیر قابل خدشه اسلامی محسوب می گردد و جهت حفظ کیان خانواده و تأمین سلامت روحی و معنوی اعضای خانواده در آیات قرآن کریم و در روایات معتبر فراوانی بر آن تأکید و تصریح شده است. (ملکی، ۱۳۹۶) در خصوص اهمیت حیا در بانوان به عنوان مثال به گفتاری از امیر المؤمنین علیه السلام اشاره می شود که می فرمایند: «و الحیاء حسن و هو بالنساء أحسن»؛ حیا نیکو است ولی نسبت به زنان نیکوتر است (زبدۀ الأحادیث، ج ۲، ص ۱۲۷). به دلیل اینکه زنان به عنوان نیمۀ تأثیرگذار جامعۀ انسانی، تأثیر مهمی در ایجاد و توسعه حیا و پاکدامنی در بین اعضای جامعه دارند. زنان علاوه بر اینکه با حفظ حیا و عفاف، به عنوان نیمی از نیروی انسانی و فکری جامعه، در پیشبرد اهداف جامعه به سمت سعادت و توسعه مؤثرند؛ در ایفای نقش مادری نیز می توانند انتقال دهنده و پرورش دهنده حیا در نسل بعد باشند. که این امر به نوبۀ خود، یکی از مهم ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی است. اگر زنان با حفظ حیا و مراعات شئون اسلامی در جامعه حضور یابند، خود را واکسینه می کنند و این مسئله به آرامش روانی زن و سلامت روانی او کمک می کند. شکی نیست که وجود حیا در زن، تأثیرات بسیار مثبتی بر روح و روان وی دارد.

عفاف و پوشیدگی همچون سدّ و حفاظی است که زن در سایه آن از هر ذلت و تحقیری در امان می ماند. (جلالی، ۱۳۸۲، صفحه ۲۵) طبیعی است، که وقتی مردی به راحتی زن های زیبا و بزک کرده را در جامعه می بیند، در مقایسه با همسر خود در منزل، به همسرش بی رغبت شده و زنش از چشمش بیفتد. طبیعی است، که وقتی دسترسی مرد به زن در جامعه به راحتی آب خوردن باشد، تمایلی به همسر خود در خانه نداشته و همسرش برای او دسته دوم و سوم بشود. طبیعی است، اگر زن در جامعه، بسیار راحت و آزاد به اشکال هوس انگیز و تحریک آمیز حرکت کند، تمایل به روابط نامشروع و هتک حرمت زنان و تخریب بنیان های خانواده دور از انتظار نباشد. طبیعی است، وقتی که زن با عطر و ادکلن و بیرون ریختن مو و آرایش خود، مردان را به خود جلب کند، پیوستگی و وابستگی مردان به کانون خانواده، تحت الشعاع و مورد تزلزل قرار گیرد. طبیعی است، که وقتی پسر و دختر جوان، نیاز به غرایز جنسی شان را

در حد سر کردن با جنس مخالف و نشست و برخاست با آن تأمین کنند، سن ازدواج افزایش یافته و مشکلات فراوان اجتماعی بعدی را ایجاد کند. طبیعی است، که وقتی مادر با چند قلم آرایش و تلاش در جلب توجه جنس مخالف، و مفاسد و مقاصد بعدی آن در جامعه، حاضر شود، نتواند نسل بعدی را که فرزندان خود و فامیل او هستند، از این کار منع کند و این مفسده اجتماعی هر ساله رو به فزونی می رود. (جوادی، ۱۳۹۴)

دین اسلام با واجب کردن حجاب، زن را از حد بازیچه دست شهوت پرستان بودن خارج می کند و اجازه نمی دهد ارزش او به میزانی تنزل کند که تنها وسیله ای برای اطفای شهوات به حساب آید. اسلام خوشی های مشروع را برای زن می پسندد و البته تأمین آن را در سایه حیا و عفت قرار می دهد. عفاف که ثمره حجاب و پوشش است، عامل آرامش و سکون انسان، و دور ماندن او از عوامل اضطراب، و نیز موجب رضایت وجدان است. چه بسیارند عوامل ناامنی فکری و ذهنی که عفاف مانع بروز آن هاست. امام علی علیه السلام فرمودند: *تَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِقَّةُ؛ مِوَةُ شَرَمٍ، عِفْتٌ اسْتِ (غُرر الحکم، حدیث ۵۵۲۷).*

عفاف، موجب احساس امنیت و شرف آدمی است و موجب می شود آدمی بتواند در طول حیاتش به درستی فکر کند و تصمیم صحیح بگیرد.

از آنجا که زن عواطف و احساسات قوی تری نسبت به مرد دارد؛ از نظر روانی نیز نفوذ پذیرتر از مرد است؛ یعنی بیش از مرد، از عوامل بیرونی متأثر می شود. وقتی این تأثیر و نفوذ پذیری از یک منبع، یعنی از سوی شوهر باشد، موجب می شود وحدت و یگانگی روانی زن حفظ شود. اما وقتی زن، بدون حجاب در اجتماع مردان نامحرم حاضر می شود، به آسانی تحت تأثیر روانی و عاطفی آنان قرار می گیرد، وحدت روانی او از بین می رود و با از بین رفتن وحدت روانی، دچار اضطراب و آشفتگی می شود. مخالفت اسلام با عرضه جذابیت های فرد در ملأعام از این روست، که جامعه را به فساد می کشاند.

بی حجابی و بی عفتی و رعایت نکردن اصول روابط زن و مرد، از علل اساسی بروز بیماری های روانی است و باعث می شود سلامت روانی خانواده و جامعه به مخاطره بیفتد یا به کلی از هم گسسته شود. (گنجی، ۱۳۸۰، صفحه ۱۰-۱۲)

حال که حیا و عفت اصل بسیار مهمی در سلامت روانی خانواده و اجتماع است، یکی از وظیفه های پدر و مادر این است که کودکان خود را به گونه ای تربیت کنند که با رعایت حیا، هم بتوانند زندگی خود را حفظ کنند و خوشبخت شوند و هم به زندگی دیگران لطمه ای وارد نکنند.

امام سجاد علیه السلام در قسمتی از حقوق فرزند می فرمایند: *أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنَ الْأَدَبِ فَمُتَّابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ؛* و اما حق فرزندت این است، که بدانی او از تو و وابسته به تو است. در زندگی دنیا، خیر و شرش با تو است و تو مسئولیت سرپرستی او را از حسن تربیت، به عهده داری. سپس در صورت انجام این مسئولیت ثواب می بری و در صورت کوتاهی، کیفر می شوی.

این فراز نشان می دهد که پدر، نسبت به آثار عمل، درباره ی فرزند، نباید غفلت ورزد، که در مقابل خوبی او، ثواب و در مقابل بدی او، کیفر خواهد دید. اگر فرزندی با رعایت نکردن حیا، سلامت خانواده خود و جامعه را به خطر بیندازد، پدر و مادر به خاطر اعمال بد فرزند، در مقابل خداوند، مسئول اند؛ و کیفر خواهند دید. برای اینکه این مشکلات رخ ندهد، پدران و مادران باید نسبت به تربیت فرزند، توجه

لازم را به خرج دهند؛ که آثار سوء از زندگی خود، فرزندان‌شان و اجتماع دور شود. (مشایخی، ۱۳۸۳، صفحه ۳۵۷)

در نتیجه سلامت خانواده و اجتماع یکی از نقش‌هایی است که حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات می‌تواند داشته باشد.

نتیجه‌گیری:

فرزند انسان، وقتی پا به نشئه دنیا می‌گذارد، مفطور به فطرت‌هایی است که آمیخته با وجود او هستند. این فطرت‌ها، عمدتاً مربوط به کلیات مسائل دینی و انسانی است، که در وجود او نهادینه شده، و دیگر لازم نیست که این مسائل به او آموزش داده شود؛ خودش این گرایش‌های سازنده الهی و انسانی را به همراه دارد. فرزند انسان، هم خداجو، و هم خداخواه است. او علاوه بر اینکه فطرتاً دنبال خدا می‌گردد، او را نیز دوست دارد. روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ»؛ هر فرزندی بر اساس فطرت به دنیا می‌آید. «الفطرة هي التوحيد»؛ یگانه پرستی، آمیخته با وجود اوست. پس لازم نیست به او تحمیل کرد. فقط باید کمک کرد تا استعداد های فرزند شکوفا شود. بر این اساس وظیفه والدین در امر تربیت، تنها این است که زمینه شکوفا شدن این فطریات را مهیا سازند. مقاله حاضر، نقش حیا در تربیت فرزند با توجه به حقوق فرزند از منظر روایات را بررسی کرده و در پایان بدین نتیجه رسیده است:

1. تکامل ایمان
2. کرامت نفس
3. پاکی از گناه و فساد
4. سلامت خانواده و اجتماع.

فهرست منابع:

1. تهرانی، مجتبی، تربیت فرزند، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، 1394.
2. جباری، کامران، محمدیاری، قاسم، اطمینان زره ناس، زهرا، حیا از منظر قرآن و روایات و جایگاه آن در تعلیم و تربیت، تربیت اسلامی، شماره 40، 1401.
3. قاعدی موصولو، عبدالله، حسن شاهی، کریم، سعادت، سید میلاد، نقش خانواده در تربیت فرزند، 1394.
4. ایزدی، مهشید، ناردی، مهرباب، نقش حیا در تربیت اسلامی، 1393.
5. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، 1409.
6. طوسی، محمد بن حسن، اخلاق ناصری، تهران، علمیه اسلامی، 1413.

7. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قاهره، دارالمعارف، 1356.
8. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارإحياء تراث العربی، 1408.
9. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، 548.
10. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، بی جا، اسلامی، 1376.
11. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360.
12. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1371.
13. تهرانی، مجتبی، حیا موهبتی الهی، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی، 1394.
14. مشایخی، قدرت الله، حقوق از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، قم، انصاریان، 1383.
15. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407.
16. سبحانی نیا، محمد، تهذیب نفس، شرم و حیا، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، 1396، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/11، <https://hawzah.net/fa/Article/View/95883/>
17. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1391.
18. حسین پور، سید پویان، کرامت چیست و طریق کرامات کدام است؟، پایگاه تخصصی مسجد، 1396، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/11، <https://www.masjed.ir/fa/newsagency/29133/>
19. خبرگزاری میزان، حیا و اهمیت آن در کلام امام علی علیه السلام، خبرگزاری میزان، 1403، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/11، <https://www.mizanonline.ir/fa/news/373661/>
20. خبرگزاری تسنیم، احساس حیا در انسان سبب ترک گناه می شود، خبرگزاری تسنیم، 1393، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/12، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/04/29/436213/>

21. خبرگزاری تسنیم، ترک گناه به خاطر حیای از خداوند از مراتب بالای اخلاص است، خبرگزاری تسنیم، 1391،

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1391/12/21/32534/>

22. قرآنتی، محسن، شرم و حیا عامل دوری از گناه، درس هایی از قرآن، 1398، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/12، <https://gharaati.ir/%D8%B4%D8%B1%D9%85-%D9%88-%D8%AD%DB%8C%D8%A7-%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%AF%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87/>

23. محدثی، جواد، حکمت های عسکری، شرم و حیا، حدیث نت، بی تا، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/12، <https://www.hadith.net/post/74528/>

24. پور اصغر، مرضیه، جایگاه حیا در فعالیت اجتماعی زنان از منظر اندیشه اسلامی، مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده، شماره 5، 1400.

25. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، قم، دفتر نشر معارف، 1387.

26. جلالی، زینب، جزوه حجاب از دیدگاه روانشناسی، قم، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1382.

27. ملکی، زهرا، تأثیر حجاب و عفاف زنان بر سلامت خود و جامعه با نگاهی به مبانی اسلامی، نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، 1396.

28. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، ارسباران، 1380.

29. جوادی، محمد جعفر، حیا و حجاب ضامن بقا و سلامت خانواده و جامعه، خبرآنلاین، 1394، مشاهده شده در تاریخ: 1403/6/12،

<https://www.khabaronline.ir/news/420640/>